

## حقوق کیفری سوء عرضه کالا در فقه امامیه، حقوق ایران و کامن لا

دکتر حسین میر محمدصادقی \*

دکتر رضا دانشور ثانی \*\*

### چکیده

یکی از بحران‌های بزرگ جوامع بشری معضلات اقتصادی است. سوء عرضه کالا از جمله این معضلات می‌باشد که علاوه بر ایجاد نا امنی در بازارهای داخلی تجارت بین‌المللی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و صدمات زیادی به منافع مصرف‌کننده وارد می‌سازد. اگر چه از دیر باز رعایت منافع مصرف‌کنندگان کم و بیش مورد توجه نظام‌های حقوقی قرار داشته است، لیکن در دهه‌های اخیر به دنبال گسترش مبادله کالا در جامعه و وابستگی شدید مردم به تأمین نیازمندی‌های خود از بازار و یک‌طرفه بودن رابطه عرضه‌کننده و مصرف‌کننده توجه مضاعفی به حمایت از حقوق مصرف‌کننده مشاهده می‌شود. بدیهی است وضع قوانین کیفری با هدف پیشگیری از وقوع اقدامات سوء اقتصادی به ویژه سوء عرضه کالا می‌تواند تا حدودی فضای عرضه کالا را از دستبرد سوء استفاده‌کنندگان در امان نگاهدارد. در بعضی از نظام‌های حقوقی برای برخی از مصادیق سوء عرضه کالا مقررات کیفری وجود دارد، با تطبیق نظام‌های حقوقی و بررسی قوانین کیفری آنها و تحلیل عناصر تشکیل‌دهنده سوء عرضه کیفری می‌توان رویه‌های مناسب در راستای واکنش اجتماعی با این مشکل اقتصادی را مورد توجه قرار داد.

### کلید واژگان

سوء عرضه کالا، تقلب، فریب، غرر، مسئولیت کیفری، مسئولیت مطلق.

---

\* دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

\*\* عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

## مقدمه

جهان در آغاز هزاره سوم با تهدیدهای شدید اقتصادی مواجه است، از یک طرف به چالش کشیده شدن نظام سرمایه‌داری، و احساس شدید ناپایداری این نظام بر اقتصاد جهانی، و از سوی دیگر، کاهش ثروت‌های عمومی و افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها به‌ویژه در خصوص مواد غذایی، و از جهت دیگر، وجود مفاسد فراوان و متنوع اقتصادی، و تشکیل باندهای فراملی در این خصوص بر اقتصاد جهان سایه افکنده است.

یکی از نگرانی‌های شدید در اقتصاد جهانی تزلزل در رابطه عرضه‌کنندگان کالاها با مصرف‌کنندگان می‌باشد. قشر عظیمی از مردم در چرخه تولید، عرضه و مصرف، جزء مصرف‌کنندگان هستند و چاره‌ای جز استفاده از کالاهای تولید و عرضه‌شده ندارند، امور متعددی می‌تواند رابطه به وجود آمده بین طرفین در این چرخه را تحت تأثیر قرار دهد، من جمله: گرانی کالاهای تولید شده، نامرغوب بودن آنها، خطرناک بودن کالاها و نظایر اینها.

از آنجا که رابطه عرضه‌کننده با مصرف‌کننده یک رابطه یک طرفه است و مصرف‌کننده در مقام آسیب‌پذیری قرار دارد، عدالت اقتضاء می‌کند قدرت حاکمه جهت حمایت از مصرف‌کنندگان تدابیری اندیشیده تا از خلال این تدابیر که باید به صورت قواعد حقوقی الزام آمده نمود کند، دغدغه‌های موجود مصرف‌کنندگان پایان پذیرد، و یا به حداقل ممکن تقلیل یابد، و بازار برای او به عنوان یک محل امن که به راحتی بتواند در آن جهت رفع نیازمندی‌های روزمره قدم نهد درآید.

علی‌رغم این ضرورت، متأسفانه در سال‌های اخیر بسیاری از دولت‌ها به جای ایجاد امنیت مالی و برابری همه در برابر قانون، و مبارزه با اختلال‌گران به‌ویژه در عرصه اقتصادی جرم‌های مالی را از مجازات مصون نگه می‌دارند، و این سیاست نه تنها به غارت و سوداگری، بلکه همچنین به بی‌اعتمادی عمیق شهروندان نسبت به نهادهای دموکراتیک

و ارزش‌های عدالت و برابری اعلام شده کمک می‌کنند، و حال آنکه ضرورت حفظ امنیت اجتماعی می‌طلبد تا جنبه‌های کیفری مفساد اقتصادی به‌ویژه سوء عرضه کالا بیش از گذشت مد نظر قانون‌گذاران باشد. زیرا، مسئولیت کسی که از اعتماد خریداران استفاده نامشروع کند، و کالای معیب و خطرناکی را به‌جای فرآورده‌های سالم و بی‌خطر در اختیارشان گذارد، و یا به ارتکاب مصادیق دیگر سوء عرضه مبادرت ورزد از مسائل مهم حقوقی است که در گذشته به این سان مطرح نبوده است<sup>۱</sup>، ولی امروزه حفظ آسایش عمومی مرهون اندیشیدن تدابیر لازم در این خصوص خواهد بود.

در این نوشتار، ابتدا به بیان مفهوم سوء عرضه کیفری کالا و اقسام آن و سپس به بیان عناصر تشکیل‌دهنده آن با رویکرد به مقررات فقه امامیه، حقوق ایران و کامن‌لا خواهیم پرداخت و در خلال آن مقایسه بین سوء عرضه حقوقی و کیفری از نظر به دور نخواهد ماند.

### ۱. تعریف سوء عرضه

سوء عرضه کیفری کالا که موضوع بحث ما در این مقاله است، اعم از سوء عرضه کالا در حقوق خصوصی می‌باشد. سوء عرضه در حقوق خصوصی که از آن در اکثر موارد به تدلیس تعبیر می‌شود یکی از مصادیق سوء عرضه کیفری می‌تواند به شمار آید. سوء عرضه کالا (تدلیس) در لغت به معنای: «کتمان کردن عیب کالا از خریدار» آمده است<sup>۲</sup>. لغویین سوء عرضه را به معنای خدعه، اظهار خلاف واقع و اخفاء شی نیز مورد استفاده قرار داده‌اند.

۱. ناصر، کاتوزیان؛ مسئولیت ناشی از عیب تولید، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، چاپ اول، ص ۱۴۰.

۲. صحاح اللغة، مجمع البحرین، قاموس المحيط، المنجد.

در کلام فقها، سوء عرضه کالا به صورت پراکنده مشاهده می‌شود، این بحث در موضوعات مختلف بر حسب اقتضانات مقامی آمده، و جامعیت مخصوص به خود را ندارد، و یک نهاد حقوقی را تشکیل نمی‌دهد.<sup>۳</sup> فقهای امامیه سوء عرضه کالا را به «اظهار کردن صفت کمالی که وجود ندارد یا پنهان کردن صفتی که موجب نقص کالا است»<sup>۴</sup> تعریف کرده‌اند. علاوه بر سوء عرضه کالا (تدلیس)، فقها از اصطلاح دیگری به نام «غرور» استفاده می‌کنند. و مانند لغویین که «سوء عرضه» و «غرور» را به یک معنا به کار می‌برند، گاهی هریک از دو اصطلاح را به جای دیگری مورد استفاده قرار می‌دهند.<sup>۵</sup>

امام خمینی (ره) در کتاب البیع می‌گوید: «ثم لا يخفى انّ عناوين العرور و الخدعة التّدليس بحسب اللغة و العرف و دلالة الأخبار ترجع إلى شيء واحد»<sup>۶</sup>. (ترجمه: مفهوم عنوان‌های غرور، خدعه و تدلیس هم از نظر لغت و هم عرف و هم روایت یکی است.) در بحث خیارات، فقها سوء عرضه کالا را به عنوان عاملی که فضای معامله را تاریک می‌سازد تا آنچه غیر واقعی است، واقعی به نظر آید معرفی می‌کنند؛ «وهو الظّلة كأنّ المدكس يظلم الامر و يبهمه حتى يوهم غير الواقع، و منه الشّراط صفة، فتفوت»<sup>۷</sup>. (ترجمه: سوء عرضه کالا یک نوع تاریکی است که عرضه‌کننده، موضوع قرارداد را

۳. محمدرضا، قنبری؛ مجموعه مقالات، گنج دانش، ۱۳۷۲، چاپ اول، ص ۱۲۰.

۴. محمد حسن، نجفی؛ جواهر الکلام، جلد ۲۳، دار احیا التراث العربی، بیروت، ۱۹۸۱، چاپ هفتم، ص ۳۱۷.

۵. همان، ص ۲۳۹، و ناصر، مکارم شیرازی؛ القواعد الفقہیہ، جلد دوم، مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، قم، ۱۴۱۶، بی جا، ص ۲۹۳.

۶. سید روح الله، خمینی؛ البیع، جلد دوم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمينی، ۱۳۷۹، چاپ اول، ص ۴۵۱.

۷. زین الدین، الجبعی العاملی (شهید ثانی)؛ الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة (دو جلدی) جلد اول، مکتب الاعلام الاسلامیہ، ۱۳۶۵، چاپ دوم، ص ۳۲۹.

تاریک می‌کند و آن را مبهم جلوه می‌دهد تا غیر واقع را واقع جلوه دهد، و از مصادیق سوء عرضه کالا شرط نمودن وصفی در مورد معامله است در حالی که آن وصف وجود ندارد، این در حالی است که اکثر فقها بین سوء عرضه و غرور قائل به تفاوت بوده و برای هریک ویژگی‌هایی ذکر می‌کنند که دیگری فاقد آن است، مثلاً در سوء عرضه عالم بودن مرتکب را شرط تحقق سوء عرضه کالا دانسته، و حال آنکه برای تحقق غرور علم غار را شرط نمی‌دانند.<sup>۸</sup> همچنین در تحقیق عنصر مادی در سوء عرضه کالا و غرور تفاوت وجود دارد، به طوری که در سوء عرضه کالا بدون تحقیق ضرر آثار سوء عرضه کالا اعم از حقوقی و کیفری مرتبت خواهد شد، اما در «غرور» وقتی این آثار به وجود می‌آید که از عمل غرور آمیز ضرری متوجه مشتری یا مصرف‌کننده شده باشد.<sup>۹</sup>

از تفاوت‌های دیگری که فقها به آن اشاره کرده‌اند اختلاف سوء عرضه کالا با غرور در عنصر روانی این دو نهاد حقوقی می‌باشد. در تحقق «سوء عرضه کالا» وجود عمد و قصد ضروری است<sup>۱۰</sup>، در حالی که برای تحقق «غرور» قصد غرر لازم نیست<sup>۱۱</sup>. بنابر نظریه اکثر فقها، فریب خوردن طرف یکی از ارکان اساسی تحقق «سوء عرضه کالا» است، ولی در تحقیق غرر فریب نقشی ندارد<sup>۱۲</sup>، با توجه به تفاوت‌هایی که بین این دو نهاد

۸. روح الله، خمینی؛ پیشین ص ۲-۴۵۱؛ ناصر، مکارم شیرازی؛ پیشین، ص ۲۹۳؛ و میرزا حسن، بجنوردی، القواعد الفقهیه، جلد اول، نشر الهادی، ۱۴۱۹، بی‌جا، ص ۲۸۴.

۹. شهید ثانی؛ پیشین، ص ۲۳۰؛ و محمد بن الحسن، حلی؛ شرایع الاسلام، جلد دوم، مرکز الرسول الاعظم (ص) للتحقیق و النشر، بیروت، ۱۴۱۹، چاپ دهم، ص ۵۴۲.

۱۰. ناصر، کاتوزیان؛ پیشین، ص ۱۰۹.

۱۱. میرزا حسن، بجنوردی؛ پیشین، ص ۱-۲۷۰.

۱۲. محمدتقی، رفیعی؛ مطالعه تطبیقی غرر در معامله، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸، چاپ اول، ص ۳۹.

حقوقی متذکر شده‌اند می‌توان چنین استنباط کرد که آسیب‌های اجتماعی ناشی از سوء عرضه بسیار فراتر از «غرور» است، زیرا، به‌طور کلی، در هر «سوء عرضه» (تدلیس) نوعی تقلب و ریا وجود دارد که نیرنگ باز بی‌اعتنا به شرافت شغل و درستکاری متعارف از اعتماد طرف معامله برای فریب دادن او از آن استفاده می‌کند، به همین جهت تدلیس در قرارداد با کلاهبرداری قرابت دارد.<sup>۱۳</sup>

در حقوق ایران، قانون‌گذار در قوانین متعددی به تعریف «سوء عرضه کالا» پرداخته است. در ماده ۴۳۸ قانون مدنی در تعریف سوء عرضه کالا می‌گوید: «عملیاتی که موجب فریب طرف معامله شود». این تعریف ناظر به معنای حقوقی سوء عرضه کالا است، در معنای کیفری سوء عرضه کالا با توجه به مقررات کیفری موضوعه مثل: ماده ۳ قانون تعزیرات حکومتی، و ماده ۷۳ قانون نظام صنفی، و ماده ۴ قانون توزیع کالاهای مورد احتیاج عامه و مجازات محتکران و گران‌فروشان، و ... فریب طرف معامله شرط تحقق سوء عرضه نیست.

در ماده ۳ قانون تعزیرات حکومتی کلمه «عرضه» به معنی تسلیم و تحویل کالا مورد استفاده قرار گرفته است. این ماده قانونی در مقام بیان کم فروشی و تقلب است، بنابراین عرضه در اینجا به معنای «کم فروشی» می‌باشد، زیرا، کم بودن کالا وقتی است که معامله - ای صورت گرفته باشد، و مشتری یا خریدار متوجه کم بودن کالا شده باشد.<sup>۱۴</sup> به‌طور کلی عرضه جنسی به جای جنس دیگر، عرضه جنسی فاسد، یا جنسی که تاریخ مصرف آن گذشته باشد، عرضه کالایی که در آن اشیاء غیر مجاز مورد استفاده قرار گرفته باشد،

۱۳. ناصر، کاتوزیان؛ پیشین، ص ۱۰۹.

۱۴. ایرج، عزیزی؛ آیین رسیدگی به جرائم و تخلفات صنفی در نظام کیفری ایران، انتشارات فریاد کویر، ۱۳۸۳، چاپ اول، ص ۵۶.

مثل: اسانس‌ها و رنگ‌های غیر مجاز در مواد غذایی، عرضه کالا که متقلبانه ساخته شده باشد، عرضه کالا با عدم رعایت استاندارد، و یا فرمول ثبت شده در خصوص تهیه و تولید مواد خوردنی و بهداشتی و آرایشی و دارویی، عرضه کالایی که در آن مواد خارجی با مواد اصلی مخلوط شده باشد، عرضه کالای معیوب، عرضه کالای خطرناک و امثال آن، سوء عرضه کیفری را تشکیل می‌دهد.

در تحقق سوء عرضه کیفری، بر خلاف سوء عرضه حقوقی، اگرچه فریب طرف عرضه شرط نیست، اما وجود تقلب یکی از اجزاء اصلی تشکیل دهنده رکن مادی این جرم محسوب می‌شود.

از تقلب در مقررات کیفری تعریفی ارائه نگردیده است، ولی با توجه به مصادیق سوء عرضه کالا کیفری که در هر کدام مصداقی از تقلب وجود دارد می‌توان تقلب را چنین تعریف نمود: "هر عملی که مرتکب به قصد عدم اجرای یک الزام قانونی انجام دهد تقلب محسوب می‌گردد". برخی از حقوق‌دانان وجود سه عنصر مهم برای تشکیل تقلب را ضروری می‌دانند، این عناصر عبارتند از:

۱. وجود یک الزام قانونی
۲. اقدام مرتکب بر خلاف الزام قانونی
۳. علم مرتکب بر ممنوعیت اقدام ارتكابی<sup>۱۵</sup>

در عدم اعتبار عنصر سوم، با توجه به اینکه رجوع این شرط به قبول رافعیت جهل به قانون است تردیدی وجود ندارد، زیرا، در حقوق کیفری، اصل بر عدم رافع مسئولیت بودن جهل به قانون است، نظم و امنیت جامعه و جلوگیری از هم گسستگی امور، و

۱۵. محمد صالح، ولیدی، حقوق کیفری اقتصادی، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۶، چاپ اول، ص ۱۶۸.

قاطعیت در برخورد با هرگونه قانون گریزی اقتضاء می کند که جهل به قانون رافع مسئولیت نباشد. بنابراین، برای تحقق تقلب دو عنصر اولیه کافی است.

البته برای تقلب مصادیق دیگری می توان در قانون پیدا نمود، مثلاً راجع به عرضه سهام شرکت‌ها با عنایت به ملاک مستفاد از مواد ۱۱۵ قانون تجارت در ماده ۲۴۹ قانون اصلاح قسمتی از همان قانون می توان اظهار اطلاعات خلاف واقع زمان پذیره نویسی را یک اقدام متقلبانه تلقی و در نتیجه پذیره نویسی با این کیفیت را سوء عرضه کیفری محسوب کرد.

سوء عرضه کالا در حقوق انگلیس و آمریکا مرسوم به کامن لا با تعابیر متعددی مطرح شده است اگرچه « قانون سوء عرضه کالا مصوب سال ۱۹۶۷ » به طور استثنایی با یک اسلوب بسیار پیچیده و مشکل تنظیم شده است، اما در حال حاضر اکثریت حقوق دانان بر این باورند که سه نوع تدلیس (سوء عرضه کالا) از این قانون استنباط می شود: سوء عرضه خدعه آمیز، سوء عرضه مسامحه آمیز، و سوء عرضه بدون خدعه و تقصیر. سوء عرضه کالا هرگاه با آگاهی عرضه کننده به کذب بودن اظهارات خود باشد و یا گمان کند اظهارات وی خلاف واقع است، سوء عرضه خدعه آمیز و حيله مندانه محسوب خواهد شد، و اگر حین عرضه کالا گمان می کند اظهارات وی حقیقت است، اما چنین گمانی غیر معقول تلقی گردد، این نوع سوء عرضه سهل انگارانه شناخته می شود، و چنانچه این اظهارات که به گمان عرضه کننده حقیقت است و عرفاً هم معقول محسوب شود، و حال آنکه اظهارات با واقع تطبیق ندارد سوء عرضه بی گناهانه خواهد بود.<sup>۱۶</sup> لذا در حقوق انگلیس بدون تقسیم سوء عرضه کالا نمی توان آن را تعریف نمود.

۱۶. مارتین هانت؛ متون دانشگاهی حقوق، (ترجمه دکتر محمد تقی رفیعی، چاپ مجدد ۱۳۸۶، چاپ اول، ص ۲۲۱-۲۲۲).



تقسیم سوء عرضه کالا از مختصات حقوق انگلیس است، و در فقه مانند آنچه در انگلیس صورت پذیرفته است سابقه ندارد، و شاید علت اصلی عدم تقسیم این نهاد حقوقی در فقه این باشد که به نظر فقها اثری بر این تقسیم مترتب نمی‌باشد، چه اینکه سوء عرضه کالا از حیث حقوقی دارای یک اثر است و آن اینکه مخاطب اظهارات کذب می‌تواند به فسخ معامله با أخذ خسارت اقدام نماید. وجود این اثر واحد در سوء عرضه کالا باعث شده است تقسیم آن از اهمیت چندانی برای فقها برخوردار نباشد، و این تقسیم در فقه در خصوص سوء عرضه کالا صورت نپذیرد. این اثر که در فقه برای سوء عرضه کالا ذکر شده است در بند ۱ ماده ۲ قانون سوء عرضه کالا سال ۱۹۶۷ انگلستان بیان شده است، به همین جهت برخی از حقوق دانان تقسیم سوء عرضه کالا در انگلستان را با این استدلال که اثری بر آن مترتب نیست مورد انتقاد قرار داده‌اند. ولی به نظر می‌رسد ایراد مذکور بر این تقسیم در حقوق انگلستان صحیح نباشد، زیرا، با توجه به اینکه برای کنترل بازار و ایجاد امنیت در فضای داد و ستد، و حمایت از قشر عظیم مصرف کننده اعمال مقررات کیفری اجتناب ناپذیر است، در راستای شمول مقررات کیفری این تقسیم می‌تواند مفید واقع شود. زیرا، هرگاه سوء نیت اظهار کننده در زمان معامله به انگیزه فریب طرف معامله و أخذ قیمت بیشتر از قیمت واقعی محرز شود، عمل وی می‌تواند واکنش اجتماعی کیفری را به دنبال داشته باشد، و چنانچه اظهارات کذب وی فاقد چنین خصوصیتی باشد مجالی برای اعمال این مقررات وجود نخواهد داشت.

## ۲. مبانی حقوقی سوء عرضه کالا

مبانی سوء عرضه کالا، اصولی است که طرفین به‌ویژه عرضه کننده کالا باید آن را در قراردادها رعایت کنند، از جمله این اصول « اصل سلامت کالا و بی خطر بودن آن»

است. معنای لغوی و اصطلاحی واژه سلامت نزدیک به هم است. لغویین این واژه را به «عاری بودن از آفات، عیوب و نواقص» تعریف کرده‌اند.<sup>۱۷</sup> سلامت کالا حین داد و ستد یک اصل است. در غیر این صورت عرضه کننده کالا باید به گونه‌ای عدم سلامت را اعلام نماید. این اصل به صورت یک شرط ضمنی مورد پذیرش همه فقها قرار دارد<sup>۱۸</sup>، و در این خصوص برخی از فقها ادعای اجماع کرده‌اند.<sup>۱۹</sup>

علاوه بر اجماع، اصل سلامت کالا مطابق با سیره مسلمین است، زیرا، مسلمین در قراردادهای خود تمن و مثن را که مورد دادوستد قرار می‌گرفت حمل بر سالم بودن می‌نمودند، در موفقه ابویصیر<sup>۲۰</sup>، امام صادق - علیه السلام - در خصوص روغنی که دچار عیب شده است می‌فرمایند: چنانچه قصد فروش آن را دارید مشتری را از عیب آن با خبر نمایید. مستفاد از کلام امام صادق - علیه السلام - این است که در هر داد و ستدی اصل سلامت کالا است و چنانچه فروشنده عیب کالا را بیان نکند فعل حرامی انجام داده و مسئولیت آن متوجه وی خواهد بود.

علاوه بر «اصل سلامت کالا» به اصل دیگری در فقه تحت عنوان «اصل عرضه واقعیت کالا» توجه می‌شود. بر اساس این اصل عرضه کننده کالا موظف است حین عرضه اوصاف موجود در کالا را بیان کند، و چنانچه کالا دارای عیب یا ویژگی‌هایی است که اگر مشتری از آن مطلع شود در تصمیم خود تجدید نظر می‌کند آن عیب و ویژگی را

۱۷. صحاح اللغة، مجمع البحرین، المفردات، المنجد.

۱۸. محمد حسین، نجفی؛ پیشین، ص ۲۳۵-۲۳۳.

۱۹. مرتضی، انصاری؛ المکاسب، انتشارات تقی علامه، قم، ۱۳۶۷، چاپ دوم، ص ۲۵۲.

۲۰. محمد حسن، حر عاملی؛ وسائل الشیعه، جلد ۱۲، احیاء التراث العربی، بیروت، بی تاو بی جا، حدیث سوم باب ششم از ابواب ما یکتسب به، ص ۶۶.

اعلام نماید. آیات شریفه‌ای که کم فروشی را مورد مذمت قرار داده است<sup>۲۱</sup> دلالت بر ارزش و اعتبار این اصل دارد. با ملاکی که از این آیات به دست می‌آید می‌توان دلالت آیات شریفه مذکور را بر اصل عرضه واقعیت کالا دانست، چه اینکه نهی خداوند متعالی از کم فروشی به دلیل «تنقیض مال بر وجه خیانت و استیفای نامشروع و اکل مال به باطل است، و این نتیجه در تمام مصادیق سوء عرضه کالا موجود می‌باشد»<sup>۲۲</sup>.

اعتبار این اصل در روایات نیز مورد تأیید قرار گرفته است. امام صادق -علیه السلام- با نقل از اجداد خود از رسول خدا -صلی الله علیه و آله- می‌فرمایند: «هرکس مسلمانی را در داد و ستد فریب دهد از ما نیست»<sup>۲۳</sup>. «اصل عرضه واقعیت کالا» مؤیداتی در فقه مثل حق خیار ناشی از تصریح<sup>۲۴</sup>، عیب، تبعض صفت، تخلف وصف، تخلف رویت و نیز حرام بودن عرضه کالای مخلوط و ناخالص دارد<sup>۲۵</sup>.

«اصل اعتماد» از دیگر اصولی است که مبانی سوء عرضه کالا را تشکیل می‌دهد. علاوه بر این اصول که بیشتر در جنبه‌های حقوقی سوء عرضه کالا مورد استفاده قرار می‌گیرد، قواعد و اصولی در فقه وجود دارد که با تمسک به آن می‌توان هر عملی را که به نوعی

۲۱. سوره مطففین آیه ۱، و سوره رحمن آیه ۹ و...

۲۲. فضل بن حسن، طبرسی؛ مجمع البیان، انتشارات ناصر خسرو، ۱۴۰۶ق، چاپ دوم، ص ۵۴۵ و سیدمحمد حسین، طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۲۰، انتشارات مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا، ص ۳۴۴.

۲۳. حر عاملی؛ پیشین، حدیث ۱۰ باب ۸۶، ص ۲۱۰.

۲۴. تصریح این است که فروشنده شیرهای حیوان را ندوشت تا زمان فروش پستان‌های وی بزرگ جلوه نماید، در نتیجه خریدار گمان کند که حیوان زیاد شیر می‌دهد.

۲۵. مهدی، علیرزاده؛ سوء عرضه کالا، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول، ۱۳۸۲، مشهد، ص ۱۰۹.

تعرض به حقوق مالی افراد و جامعه است مجرمانه تلقی نمود، برخی از این اصول و قواعد عبارتند از: اصل نفی ظلم<sup>۲۶</sup>، اصل نهی از فریب مؤمن<sup>۲۷</sup>، اصل نفی خیانت<sup>۲۸</sup>، اصل رعایت عدل و قسط<sup>۲۹</sup>، اصل عدم اخلال در بازار مسلمین.

در حقوق انگلیس، تا اواخر قرن ۱۸، تمایلی به تعیین ضمانت اجرایی جهت حيله-های مورد استفاده در معاملات وجود نداشت، و سوء عرضه حيله‌مندانه که موجب فریب طرف معامله می‌شد فاقد ضمانت اجرا بود. عدم تعیین ضمانت اجرایی در این موضوع ناشی از طرز تلقی مخصوصی بود که در حقوق انگلیس ریشه دیرینی داشته است، زیرا، حقوق دانان انگلیسی عقیده داشتند طرف معامله نباید به صرف اظهارات عرضه کننده کالا به معامله تن دهد، بلکه باید در پی اظهارات او در رابطه با آنچه عرضه کننده اظهار نموده بررسی‌های لازم را معمول نماید، و چنانچه به صرف اظهارات او اقدام به انعقاد قرارداد کند و اظهارات عرضه کننده کذب باشد، مخاطب اظهار باید تبعات آن را به دلیل حماقت خود تحمل کند. این دیدگاه ناشی از تفکرات حاکم بر دورانی از حقوق انگلیس بود که اصالت فرد به نحوی بر حقوق این کشور سایه افکنده، و نفوذ اخلاق در

۲۶. سوره بقره آیه ۲۷۹، و علی‌المتقی، الهندی؛ کنز العمال، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۵، بیروت، چاپ پنجم، روایت ۷۵۸۹، و عبدالواحد، الآمدی؛ غررالحکم، جلد دوم، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۷، چاپ اول، ص ۱۶.

۲۷. سوره فاطر آیه ۴۳، و محمد بن یعقوب، کلینی؛ اصول کافی، روایت ۶ باب مکر کتاب ایمان و کفر، و همان، روایت ۳.

۲۸. سوره نساء آیه ۱۰۷، و میرزا حسن، نوری؛ مستدرک الوسائل، جلد ۹، مؤسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۸ق، ص ۸۰، و محمد باقر، مجلسی؛ بحار الانوار، جلد ۱۰۳، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق، بیروت، ص ۱۰۳.

۲۹. سوره مائده آیه ۸، و محمد باقر، مجلسی؛ پیشین، جلد ۷۸، ص ۸۳.

حقوق بی رنگ بود و بر اساس این تفکرات به جای عرضه کننده، مشتری به دلیل بی احتیاطی و حتی حماقت خود مورد سرزنش قرار می گرفت. به عبارت دیگر در آن دوران قاعده: "خریدار هوشیار باش" و "هرکس باید خودش مواظب باشد و در غیر این صورت حق اعتراض ندارد" حکومت می کرد، و اثری از قواعدی که امروزه در راستای حمایت از مشتری و مصرف کننده وجود دارد، مثل قاعده «حق با مشتری» است مشاهده نمی شد.<sup>۳۰</sup>

از اوایل قرن ۱۹ تمایل به ضمانت اجرایی داشتن حیل‌های منجر به وقوع خسارت در حقوق انگلستان پیدا شد. و اخلاق (رابطه شرافتمندانه) در حقوق نفوذ کرد و قواعد قبلی را ضعیف نمود. اصل «اعتماد به یکدیگر» از اوایل قرن ۲۰ جایگاه ویژه‌ای در حقوق انگلیس پیدا نمود. بنابراین اصل عدم تحقیق و تفحص در خصوص اظهارات عرضه کننده کالا جهت احراز صحت و سقم آن اظهارات توسط خریدار یا مخاطب اظهارات مورد نکوهش قرار نگرفت، و در صورت عدم تجسس راجع به این اظهارات عمل وی بی احتیاطی محسوب نگردید. در حقوق انگلستان اظهارات دروغین در معاملات و قراردادها تا تصویب قانون سوء عرضه (سال ۱۹۶۷) سوء عرضه محسوب نمی شدند، ولی براساس این قانون اظهارات خلاف واقع دارای اثر حقوقی شد و برای مخاطب اظهار ایجاد حق نمود.<sup>۳۱</sup> از دیدگاه حقوق دانان انگلیسی اصولاً افراد نمی توانند از حیل خود عایدی ببرند، زیرا، قواعد حقوقی برای تنفیذ اخلاق و تحمیل وظایف اجتماعی و تعامل شرافتمندانه افراد به وجود آمده است، بر اساس این دیدگاه اولاً: اگر حیل با هر

۳۰. بهرام، درویش؛ تدلیس، انتشارات گل مریم درخشان، ۱۳۸۴، تهران، چاپ اول، ص ۲۶.

۳۱. محمد علی، مهروم؛ پیشین، ص ۲۳ و ۲۴.

عمل حقوقی تزام شود آن عمل را باطل می‌کند<sup>۳۲</sup>، ثانیاً: حيله گر باید تبعات کیفری عمل خود را تحمل کند. در حقوق آمریکا، اگر چه به دلیل گرایش شدید آن به نظریات نوین حقوقی باعث رشد فزاینده‌ای شده، و موجبات رهبری حقوق آمریکا بر کامن‌لا را فراهم نموده است، لیکن در خصوص تحولات به وجود آمده در رابطه با مقررات حاکم بر سوء عرضه کالا آمریکایی‌ها نسبت به انگلیسی‌ها پنجاه سال دیرتر این تحولات را در حقوق خود ایجاد نمودند<sup>۳۳</sup>. از مطلب فوق چنین استنباط می‌شود اگر چه مبانی حقوقی سوء عرضه کالا در اسلام و کامن‌لا در ابتدا تفاوت چشمگیری داشت اما اخیراً این دو مکتب حقوقی در این خصوص به هم نزدیک شده‌اند.

### مبحث اول: رکن مادی سوء عرضه کالا

فعل مرتکب، شرایط تحقق، وقوع ضرر و رابطه سببیت مطالبی هستند که در این فصل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

#### گفتار اول: فعل مرتکب

در بحث کلیات مطرح شد که سوء عرضه کیفری اعم از سوء عرضه حقوقی می‌باشد، بنابراین برای تحقق سوء عرضه کیفری فعل مرتکب باید دارای ویژگی‌هایی باشد. در برخی از این ویژگی‌ها سوء عرضه کیفری با سوء عرضه حقوقی مشترک است. برای مشخص شدن ماهیت فعل مرتکب در سوء عرضه کیفری کالا خصوصیات آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۳۲. بهرام، درویش؛ پیشین، ص ۳۰ و ۳۱.

۳۳. همان، ص ۳۲.

الف) متقلبانه بودن فعل مرتکب: فعل مرتکب در سوء عرضه باید توأم با تقلب باشد، تقلب می‌تواند اظهارات کاذبانه عرضه‌کننده جهت فریب خریدار باشد، و یا عرضه کالای فاسد، و نیز عرضه کالایی که تاریخ مصرف آن گذشته است، و همچنین عرضه کالای خطرناک می‌تواند سوء عرضه محسوب شود. به عبارت دیگر متقلبانه بودن عرضه در سوء عرضه کیفری، عرضه کالا به صورت غیر قانونی است. بر این اساس فعل مرتکب یک عمل مثبت مادی است و باید کالا به گونه‌ای در قالب یک فعل مثبت عرضه شود. عرضه کالا می‌تواند مستقیم یا غیر مستقیم باشد. از مصادیق غیر مستقیم عرضه کالا ارسال آن به وسیله واسطه یا بنگاه‌های حمل و نقل است، در هر صورت عمل عرضه به ارسال‌کننده منتسب خواهد شد، و مسئولیتی متوجه واسطه یا بنگاه حمل و نقل حتی اگر علم به سوء عرضه داشته باشند نخواهد بود.

ب) سکوت عرضه‌کننده: در واژه شناسی حقوق خصوصی در رابطه با آثار حقوقی سکوت که اعم از رضا است یعنی ممکن است حاکی از رضا باشد<sup>۳۴</sup> و ممکن است حاکی از رضا نباشد، اختلاف است.

در فقه دو دسته قواعد در رابطه با سکوت وجود دارد: دسته اول مانند: «لا ینسب إلی ساکت قول» (به شخص ساکت قولی نسبت داده نمی‌شود). و «إعمال الکلام أولی من اهماله» (بیان داشتن کلام بهتر از فرو گذاشتن آن است). بر اساس مفاد این قواعد سکوت را دارای آثار حقوقی نداشته‌اند و فریب محسوب نمی‌کنند<sup>۳۵</sup>. اما قواعد دیگری وجود دارد، مانند: «السکوت فی معرض الحاجه بیان» (سکوت در مواردی که باید کلام اداء شود، بیان محسوب می‌شود)، و یا «تأخیرالبیان عن زمن الحاجه

۳۴. محمدرضا، قنبری؛ پیشین، ص ۷۳.

۳۵. جعفرین الحسن، محقق حلی؛ پیشین، ص ۲۹۰.

«تأخیر بیان از زمان نیاز قبیح است»، مستفاد از این قواعد این است که سکوت دارای آثار حقوقی خواهد بود<sup>۳۶</sup>، لذا چنانچه کالا دارای عیبی باشد ذکر عیب کالا از وظایف عرضه کننده قلمداد شده است، و گرنه عمل وی مصادق نوعی فریب خواهد بود<sup>۳۷</sup>. به نظر می‌رسد با توجه به مبانی حقوقی سوء عرضه، مثل اصل اعتماد و اصل سلامت و نظایر اینها قواعد دسته دوم باید ملاک عمل قرار گیرند.

در حقوق انگلیس، گرایش در سوء عرضه این است که عمل مرتکب باید فعل مثبت باشد، این موضوع به صورت یک قاعده کلی مورد قبول حقوق دانان قرار گرفته است، به گونه‌ای که سوء عرضه از طریق سکوت محقق نمی‌شود<sup>۳۸</sup>. مادامی که عرضه کننده هیچ اظهاری نکرده و یا تضمینی نداده است نمی‌توان به دلیل افشا نکردن این واقعیت یا عیوب دعوی اقامه کرد<sup>۳۹</sup>. این طرز تلقی در حقوق انگلیس، یعنی عدم تحقق سوء عرضه با سکوت، از این موضوع نشأت می‌گیرد که در این نظام حقوقی صحیح بودن اظهارات مربسوط به حقایق مرتبط با معامله ضروری است، و همین امر سبب می‌شود تا صرف سکوت از مصادیق سوء عرضه تلقی نشود<sup>۴۰</sup>. در دعوی بیل علیه لیوربروترز، قاضی پرونده

۳۶. جعفری لنگرودی؛ دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت، مشعل آزادی، ۱۳۵۷، چاپ اول، ۲۳۲، و ناصر، کاتوزیان؛ دوره حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، جلد اول، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۴، چاپ سوم، ص ۲۷.

۳۷. محمد حسن، نجفی؛ پیشین، ص ۲۳ و ۲۴۶، مرتضی، انصاری؛ پیشین، ص ۲۶۲.

۳۸. آنه راف؛ قواعد حقوقی قرارداد انگلستان از نگاه رویه قضایی (ترجمه: سید مهدی، موسوی، نشر میزان چاپ اول، تهران، ۱۳۸۶، ص ۱۳۶)

۳۹. محمد علی، مهروم؛ پیشین، ص ۱۶۷.

۴۰. وبر او ترورد، آدمز؛ تحلیل و نقدی بر حقوق قرارداد در انگلستان (ترجمه: سید مهدی، موسوی، نشر میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۶، ص ۲۴۴).



آقای لرد اتکین اعلام نمود: کتمان یک امر عمده و اساسی در قرارداد که ممکن است در رأی و تصمیم یک طرف محتاط تأثیر گذارد، حق لغو قرارداد را ایجاد نمی‌کند. و در پرونده والتزر علیه مورگان در سال ۱۸۹۱ قاضی «لرد کمبل» به صراحت اعلام داشت: «کتمان ساده منجر به یک تقلب قانونی نمی‌شود اگرچه ممکن است در نظر اخلاقیون [تقلب] محسوب شود»<sup>۴۱</sup>.

علی‌رغم اینکه قاعده اولیه در کامن لا عدم تأثیر سکوت در سوء عرضه می‌باشد، اما موارد استثنا وجود دارد که اعلام حقایق مربوط به مورد معامله در آن موارد ضروری است<sup>۴۲</sup>، و در مواردی سکوت و عدم انشا می‌تواند موجبی برای مسئولیت عرضه کننده کالا باشد، این موارد عبارتند از:

۱. جایی که سکوت باعث جلوه دادن کالا به صورت غیر واقع شود.
۲. جایی که قرارداد مستلزم اعلام «صراحت کامل» است.
۳. موردی که بین طرفین قرارداد رابطه امانی و اعتماد وجود دارد<sup>۴۳</sup>.

علاوه بر این در موارد دیگر حقوق دانان انگلیسی تمایل به اثبات مسئولیت برای عرضه کننده کالا دارند، منجمله در موردی که عرضه کننده در اظهار نظر قبلی واقعیت را گفته، و پس از آن اوضاع و احوال کالا تغییر کرده و حال به جای اظهار وقوع شرایط جدید برای کالا سکوت کند، و نیز در جایی که اطلاعات مهمی را که نوعاً عیوب کالا محسوب می‌گردد، حذف می‌کند تا به این طریق موجب برداشت غلط گردد، و همچنین هرگاه قرارداد یکی از قراردادهای حائز حسن نیت بسیار زیاد باشد، مثل: قرارداد بیمه و

۴۱. محمد علی، مهروم؛ پیشین، ص ۱۳۳ و ۱۳۴.

۴۲. وبراو ترورد، آدمز؛ پیشین، ص ۲۴۲.

۴۳. محمد علی، مهروم؛ پیشین، ص ۱۳۴.

قرارداد صدور سهام<sup>۴۴</sup>.

در مقررات موضوعه ایران در خصوص سکوت حکم خاصی ذکر نشده است، ولی در حقوق ایران گرایش عمده بر این است که سکوت و خودداری از بیان عیوب کالا سوء عرضه محسوب می‌شود و یک عمل متقلباته تلقی می‌گردد<sup>۴۵</sup>.

ج) تعیین مرتکب: از آنجایی که یک کالا ممکن است تولید کننده و توزیع کننده و فروشنده آن متفاوت باشد، این سؤال مطرح است که مسئولیت ناشی از سوء عرضه متوجه چه شخصی خواهد بود؟ تولید کننده یا توزیع کننده یا فروشنده؟ در فرآیند عرضه کالا باید ملاحظه کرد تا مشخص شود عیب و فساد از ناحیه چه کسی بر کالا تحمیل شده و یا تقلب توسط چه شخصی صورت پذیرفته است. بر این اساس هم تولید کننده و هم توزیع کننده و هم فروشنده می‌تواند مسئول تلقی شوند، بدیهی است چنانچه عیب کالا در مرحله تولید بر کالا تحمیل شود «به‌طور معمول، تولید کننده مسئول است و مؤسسه‌ای که فرآورده معیوب را آماده بهره برداری عموم کرده و به سود خود فروخته است»<sup>۴۶</sup>. البته در صورت اطلاع توزیع کننده و فروشنده از فساد و عیب کالا آنها از شمول مسئولیت کیفری مصون نخواهد ماند. همچنین چنانچه فساد به وجود آمده در کالا و یا عیب موجود در آن ناشی از اقدامات توزیع کننده یا فروشنده باشد تمام مسئولیت متوجه آنها خواهد بود.

گاهی تولید کننده در فرآیند تولید کالا یکی از عوامل محسوب شده، و مسئولیت ناشی از سوء عرضه متوجه وی نمی‌شود، زیرا، خریدار با اعتماد به علامت تجاری متعلق به

۴۴. ماتین هانت؛ پیشین، ص ۲۲۱ و ۲۳۰.

۴۵. جعفر، جعفری لنگرودی؛ پیشین، ص ۱-۷۷۴.

۴۶. ناصر، کاتوزیان؛ مسئولیت ناشی از تولید، پیشین، ص ۹۹.

یک مؤسسه اقدام به خرید می‌کند، و کالای خریداری شده معیوب از کار در می‌آید، با توجه به اینکه تولید کننده، کالا را با سفارش مؤسسه دارای علامت تجاری تولید کرده مسئولیت متوجه این مؤسسه است نه تولید کننده، زیرا، وی وظیفه داشته پس از احراز سلامت کالا آن را عرضه کند.

در حقوق آمریکا تا سال ۱۹۶۰ در صورت عدم رابطه حقوقی بین تولید کننده و خریدار در صورتی که کالای تولیدی معیوب بود هیچ مسئولیتی را متوجه تولید کننده نمی‌دانستند و فقط واسطه یا فروشنده مسئول جبران خسارات ناشی از عیب کالا بود، اما پس از دعوی هنینگسن علیه شرکت بلوم فاید موتور<sup>۴۷</sup>، دادگاه بر خلاف رسم پیشین رویه قضایی خواننده‌ای را که هیچ رابطه قراردادی با خواهان نداشته است بر پایه تضمینی ارادی به سود او به جبران خسارت محکوم می‌کند.<sup>۴۸</sup> بر اساس رویه جاری علی‌رغم عدم وجود قرارداد بین تولید کننده و خریدار رابطه حقوقی بین ایشان برقرار می‌شود و با بد تولید کننده تبعات سوء عرضه خود را تحمل نماید.

در حقوق کیفری ایران، در فرآیند سوء عرضه کالا، فروشنده، مخلوط کننده و سازنده و تهیه کننده همگی مسئولیت کیفری دارند، قانون‌گذار ایرانی در ماده ۲ قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی (مصوب ۴۶/۴/۲۲) در ۴ بند، و ماده ۳ همان قانون مسئولیت کیفری هریک از اشخاص مذکور را بیان می‌کند.

د) تبلیغات برای کالا: امروزه تبلیغات در اطلاع رسانی به خریدار نقش بسیار مهمی را ایفاء می‌کند و از طرفی می‌تواند در فریب وی نقش آفرینی کند، لذا برای جلوگیری از نقش منفی و آسیب‌های ناشی از آن محدودیت‌های حقوقی برای تبلیغات در نظر گرفته

47. Henningsen v. Bloomfied motors.

۴۸. ناصر، کاتوزیان؛ پیشین، ص ۲۷.

شده است، تبلیغات برای عرضه کالا در حد متعارف آثار حقوقی ندارد، مشروط بر اینکه عرضه کننده در تبلیغ خود از اظهار مطلب کذب خودداری نماید و در رابطه با قدمت کالا، سازنده و مکان تولید آن، و نیز چگونگی تولید و موارد مصارف آن دچار گزاره گویی و کذب به طوری که مشتری را همین مطلب کذب و گزاره جذب و راغب به خرید نماید نکند، در فقه امامیه تبلیغات بیش از متعارف مورد نکوهش قرار گرفته است.<sup>۴۹</sup> در کامن لا و قراردادهای تجاری بین‌المللی صرف گزاره گویی در تبلیغ یا مذاکرات برای تحقق فریب که اساس تحقق برخی از مصادیق سوء عرضه است کفایت نمی‌کند.<sup>۵۰</sup> بلکه باید از حد گزاره گویی گذشته و به شکل اظهارات خلاف واقع نمود نماید.

بنابراین، اعلام اظهارات کذب در تبلیغات برای کالا موجبات تحقق سوء عرضه کالا را فراهم می‌نماید. در مباحث بعدی به این موضوع می‌پردازیم آیا برای تحقق سوء عرضه کالا باید اظهارات عرضه کننده زمینه را برای فریب خریدار فراهم نماید و برای خرید در وی ایجاد انگیزه کند؟ یا فراهم نمودن چنین وضعیتی برای تحقق سوء عرضه کیفری ضروری نمی‌باشد؟

توأم با بحث تبلیغات برای عرضه کالا، این نکته قابل توجه است که اطلاع رسانی عرضه کننده جهت استفاده بهتر و بیشتر از کالا وظیفه اوست یا نه؟ گرایش در حقوق تجارت این است که فروشنده وظیفه‌ای جهت اطلاع رسانی به مشتری ندارد. در اقتصاد رقابتی، حقوق باید مردم را تشویق کند که خودشان درباره کیفیت،

۴۹. حر عاملی؛ پیشین، ص ۱۲-۲۴۳، و شهید ثانی؛ پیشین، ص ۱-۳۲۹.

۵۰. مؤسسه بین‌المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی. اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، (ترجمه: بهروز اخلاقی و فرهاد ارم، چاپ مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ دوم ۱۳۸۵، تهران، ص ۱۳۰).

قابلیت استفاده و قابلیت فروش کالاها و خدمات اطلاعات تحصیل کنند<sup>۵۱</sup>. به نظر می-رسد در حقوق مالی به جهت اینکه خریدار بابت دسترسی به تمام عملکرد کالا هزینه می-کند، حق دارد از تمام مزایای کالا بهره‌مند شود، و لازمه این بهره‌مندی اطلاع کامل از نحوه کارکرد و استفاده از کالا است، لذا وظیفه عرضه کننده اطلاع رسانی جهت استفاده کامل از کالا به هر شکل ممکن است، ولی در حقوق کیفری وظیفه اطلاع رسانی عرضه کننده دایر مدار وظیفه قانونی اوست، اگر قانون‌گذار اطلاع رسانی را وظیفه وی محسوب کرده باشد باید این امر تحقق یابد، در غیر این صورت عرضه کالا یکی از مصادیق عرضه غیر قانونی خواهد بود. هرگاه در این خصوص، قانون‌گذار سکوت کرده باشد، چنانچه به کارگیری کالا و استفاده از آن نیاز به ارشادات و آموزش دارد، شرط ضمنی معامله در این گونه کالا، ارائه آموزش از ناحیه عرضه کننده است، در صورت عدم ارائه آموزش لازم مسئولیت ناشی از صدمات و خسارات متوجه او خواهد بود.<sup>۵۲</sup>

### گفتار دوم: شرایط تحقق سوء عرضه کالا

تحقق هر عمل حقوقی نوعاً مترتب بر تحقق شروطی است، سوء عرضه کالا هم از این امر مستثنی نیست، حداقل در این مبحث دو شرط را مورد بررسی قرار می‌دهیم: وجود عیب یا تقلب در کالا و فریب مشتری.

الف) وجود عیب در کالا، یا وجود تقلب: عیب در سوء عرضه کیفری اعم از عیب در

۵۱. حین کوتز و اکسیل فیلسنر؛ حقوق قراردادها در اروپا، ج ۱ (ترجمه: ولی الله احمدوند و محمد باقر پرسا پور، مجید قربانی، اصغر محوری، چاپ نگارش، نوبت اول، ۱۳۸۵، تهران، ص ۲۸۵).

۵۲. محقق حلی؛ پیشین، ص ۲۹۱ و محمد حسن، نجفی؛ پیشین، ص ۲۳-۲۵۸.

سوء عرضه حقوقی است. در فقه امامیه و حقوق مدنی و تجارت دیدگاه‌های مختلفی در خصوص ماهیت عیب وجود دارد. برخی از فقها در تعیین ماهیت عیب نظر به نقص در اصل خلقت دارند: «کل ما كان في اصل الخلقه فزاد أو نقص، فهو عيب»، برخی دیگر با این برداشت که سلامت کالا مرحله میان عیب و کمال است مرتبه متوسط را عیب می‌شمرند.<sup>۵۳</sup> کاهش ارزش کالا ملاک دیگری است که مورد توجه برخی از فقها برای تعیین عیب قرار دارد. به عبارت دیگر هرچه باعث کاهش ارزش کالا شود عیب محسوب می‌شود.<sup>۵۴</sup> برخی از فقها اهل سنت<sup>۵۵</sup> به این دیدگاه نظر دارند. با توجه به اینکه کارکرد کالاها تفاوت دارند برای معیوب دانستن کالا نمی‌توان یک ملاک واحد تعیین کرد بلکه معیوب بودن کالا یک امر نسبی است و برای دستیابی به ماهیت عیب باید به عرف مراجعه شود، و «راه دستیابی به کالای سالم را در ید عرف یافت».<sup>۵۶</sup> در فقه به چند مصداق از مصادیق سوء عرضه اشاره شده است که با بررسی این مصداق‌ها می‌توان معیاری برای تعیین ماهیت عیب را استنباط نمود. یکی از این مصادیق بیع تصریه است. «تصریه» از ریشه صری به معنای جمع کردن و یا حبس و جلوگیری کردن است، و اصطلاحاً به بیعی گفته می‌شود که مالک حیوانی را برای چند نوبت ندوشد، تا زمان فروش، شیردهی حیوان بیش از حد نمایان شود.<sup>۵۷</sup> البته به این نوع دادوستد «صریه» یا «تحفیل» هم می‌گویند، و در روایات این عناوین مورد استفاده

۵۳. مرتضی، انصاری؛ پیشین، ص ۲۶۵ و ۲۶۶.

۵۴. علامه حلی؛ تحریر الاحکام، ص ۱-۱۸۲.

۵۵. ابن قدامه عبدالله بن احمد؛ المغنی، جلد سوم، دار احیاء التراث العربی، بی تا، بی جا، ص ۱۱۵.

۵۶. ناصر، کاتوزیان؛ پیشین، ص ۶۸.

۵۷. لسان العرب.

قرار گرفته است<sup>۵۸</sup>، و در کلام فقها هم این تعابیر مشاهده می‌شود<sup>۵۹</sup>. از مصادیق دیگر سوء عرضه کالا در فقه غشّ خفی است، غشّ خفی یک نوع تقلب در معامله جهت فریب مشتری است به طوری که مشتری متوجه این تقلب نشود، مثل: آمیختن روغن نامرغوب به روغن مرغوب. غشّ خفی در مقابل غشّ جلی قرار دارد که در آن مشتری متوجه آن تقلب می‌باشد یا حداقل در معرض دید او است، مثل: مخلوط کردن ریگ با حبوبات<sup>۶۰</sup>. نجش از مصادیق سوء عرضه کالا در فقه است، و آن سوء عرضه حيله‌مندانه است به طوری که شخص ثالث با تبانی با احدی از متعاملین آن را رقم می‌زنند، و نجش مانند عقد مسترسل، و عقد غبن، و تلقی الرکبان توأم با اظهارات کذب و دروغ می‌باشد.<sup>۶۱</sup>

در حقوق ایران برای تعیین ملاک جهت تشخیص عیب، گرایش به بررسی میزان انتفاع از کالا وجود دارد، قانون‌گذاران ایرانی در ماده ۴۷۹ ق.م. این ملاک را در بحث اجاره این گونه مطرح می‌نماید: «عیبی که موجب فسخ اجاره می‌شود عیبی است که موجب نقصان منفعت یا صعوبت در انتفاع باشد». همین ملاک در ماده ۱۶۴۱ قانون مدنی فرانسه با این اصطلاح «هر چه از فایده مطلوب بکاهد عیب محسوب می‌شود» مورد قبول قرار گرفته شده است.<sup>۶۲</sup>

در حقوق انگلیس یکی از مصادیق تقلب، توصیف تجاری نادرست است، قانون

۵۸. حر عاملی؛ پیشین، ص ۱۲-۳۶۰.

۵۹. محمد حسن، نجفی؛ پیشین، ص ۲۴-۲۶۳.

۶۰. یوسف، بحرانی؛ حدایق الناظره لاحکام العتره الطاهره، جلد هجدهم، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، بی تا، بی جا، ص ۱۹۰.

۶۱. محمد علی، مهرم؛ پیشین، ص ۳۲.

۶۲. ناصر، کاتوزیان؛ پیشین، ص ۷۳.

توصیف‌های تجاری مصوب ۱۹۶۸ در خصوص این نوع تقلب در معامله مقرراتی را ارائه می‌دهد. بر اساس بخش (a) (۱) این قانون استفاده از یک توصیف تجاری نادرست نسبت به کالا جرم تلقی شده است. در کامن لا، به‌ویژه حقوق آمریکا، ابتدا اندیشه خطرناک بودن کالا برای مسئولیت ناشی از عیب کالا مطرح بود، و چنانچه کالایی فاقد خطر بود معیب محسوب نمی‌شد، ولی امروزه عنصر خطرناکی کالا از مفهوم عیب کنار گذاشته شده است، همین که کالا دارای عیب باشد، و خساراتی را به بار آورد برای توجه مسئولیت کافی است.<sup>۶۳</sup> البته خطرناک بودن کالا امروزه به عنوان یک عیب مستقل مد نظر حقوق‌دانان است، لذا در برخی از قوانین مثل: بند ۱ ماده ۴۰۲ اصول حقوقی آمریکا (restatement) عیب به شرایطی تعبیر شده که کالا را به‌طور نامعقول خطرناک می‌سازد.<sup>۶۴</sup> بدیهی است داروهایی که دارای آثار جنسی و منفی هستند، تولید کامیون‌های حامل سوخت، تولید اسلحه سرد و گرم، تولید سیگار از نوع کالاهایی هستند که نوعاً خطرناک محسوب می‌شوند، لیکن این خطرناکی به بی‌مبالاتی و تقصیر در جریان تولید ارتباط ندارد، بلکه آن خطرناکی به عنوان عیب تلقی خواهد شد که ناشی از بی‌مبالاتی در پرهیز از خطرهای احتمالی و کوشش در راه تأمین ایمنی مصرف‌کنندگان است.<sup>۶۵</sup>

در حقوق کیفری عیب مفهوم خاص خود را داشته و با آنچه در حقوق خصوصی مطرح است تفاوت دارد، در بیان تفاوت این دو می‌توان گفت آنچه در حقوق کیفری عیب تلقی می‌شود ممکن است در حقوق خصوصی عیب محسوب شود و ممکن است عیب تلقی نگردد. عیب قابل پیگرد در حقوق کیفری آن است که عرضه کالا خلاف

۶۳. همان، ص ۶۶.

۶۴. همان، ص ۷۴.

۶۵. همان، ص ۸۸.



قانون باشد، کالایی که بر خلاف قانون عرضه می‌شود یک کالای سالم از دیدگاه کیفری محسوب نمی‌شود و عرضه آن ممنوع است خواه در اصل کالا عیبی نهفته باشد و خواه اصل کالا فاقد عیب باشد، به عبارت دیگر سوء عرضه کیفری گاهی سوء عرضه ماهوی است، و آن زمانی است که کالا دارای عیبی باشد، مثل: فاسد بودن کالا، خطرناک بودن آن، و یا آمیخته شدن کالا با اشیاء دیگر، و گاهی سوء عرضه شکلی است، یعنی اصل کالا فاقد عیب است، چه بسا بر اثر عمل مالک و یا عامل دیگر جنسی مرغوب‌تر هم شده باشد، لیکن به شکلی عرضه شده که قانون عرضه کالا با این شکل را ممنوع اعلام داشته است، بنابراین، عیب در سوء عرضه کیفری، برخلاف آنچه در حقوق مدنی و تجارت مطرح شد که بیشتر جنبه عرفی دارد، احصایی است و باید با مراجعه به قانون عیوبی را که قانون‌گذار احصاء نموده شناسایی و مورد بررسی قرار داد. با تفحص در حقوق کیفری ایران به وضوح تقسیم سوء عرضه ماهوی و شکلی مورد تأیید قرار می‌گیرد.

عرضه کالا به صورت غیر مرغوب و بهداشتی، عرضه و فروش جنسی دیگر، مخلوط کردن مواد خارجی به جنسی به منظور سوء استفاده، عرضه جنسی فاسد و جنسی که موعد مصرف آن گذشته است، عرضه کالا که در آن مواد اضافی غیر مجاز به کار رفته است، سوء عرضه ماهوی محسوب می‌شود، و با توجه به مقررات موضوعه می‌توان عرضه کالایی که از مواد تقلبی به‌ویژه در مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی، عرضه داروی غیر هم فرمول به جای داروی تجویز شده و نظایر آن از مصادیق سوء عرضه ماهوی تلقی می‌نمود، و کم فروش، گران فروش، عدم رعایت استاندارد، تبدیل تاریخ مصرف کالا، خرید و فروش کالا بدون مجوز به ویژه دارو، عرضه کالا بر خلاف ضوابط توزیع و شبکه‌های تعیین شده، فروش اجباری کالا به همراه کالای دیگر، عمده فروشی بر خلاف ضوابط از مصادیق سوء عرضه شکلی به

حساب می آید، و همچنین می توان عرضه فروش داروی فاقد پروانه ساخت یا مجوز ورود، عرضه دارو بدون حضور مسئول فنی، ارائه دارو بدون نسخه پزشکی، فروش غیر اجناس دارویی و اجناس مربوطه دیگر در داروخانه، فروش بدون تسلیم صورت حساب، عدم اعلام ارزش اجناس به مشتری، عرضه لباس هایی که استفاده از آنها خلاف شرع است یا عفت عمومی را جریحه دار می کند و امثال آن را به عنوان سوء عرضه شکلی کالا برشمرد. با توجه به توضیحاتی که در خصوص لزوم وجود عیب در سوء عرضه کیفری داده شد، مناسب است در سوء عرضه کیفری کالا به جای کلمه «عیب» از واژه «تقلب» استفاده شود تا گستره مفهومی این کلمه تمام مصادیق سوء عرضه کیفری را در برگیرد. براین اساس می توان گفت آنچه در سوء عرضه کیفری از شروط الزامی برای تحقق جرم سوء عرضه می باشد وجود تقلب است نه عیب، اگرچه در بسیاری از مصادیق آن عیب به همان معنایی که در حقوق خصوصی و فقه امامیه مطرح شده است وجود دارد.

ب) فریب: در حقوق خصوصی، از شرایط تحقق سوء عرضه و مرتبت شدن آثار حقوقی بر آن وجود فریب در معامله است. علاوه براین فریب باید اثر ذاتی داشته باشد، یعنی باعث فریب خریدار شود، به طوری که اگر فریب وجود نداشت خریدار حاضر نبود با شرایط موجود مبادرت به خرید کالا نماید. در صورتی که فریب اثر ذاتی و جنبه اصلی نداشته باشد، به این معنا که در اقدام خریدار برای خرید کالا تأثیری نگذارد، ولو در افزایش قیمت مؤثر واقع گردد، موجبات ترتب آثار حقوقی سوء عرضه را فراهم نخواهد کرد<sup>۶۶</sup>، مثل اینکه عرضه کننده خودرو مدعی شود مصرف بنزین خودرو کمتر از ۵ لیتر در هر ۱۰۰ کیلومتر است، و خریدار که بدون این اظهارات کذب راغب به

۶۶. جعفر، جعفری لنگرودی؛ پیشین، ص ۷۷۶ و ۷۸۶.

خرید خودرو بوده، پس از استماع این اظهارات کذب راغب به خرید خودرو با قیمت بالاتر از ارزش آن شود. بنابراین مسئولیت ناشی از سوء عرضه متقلبانه دایره مدار فریب و تأثیر آن در خریدار است. از طرف دیگر، صرف وجود فریب کفایت نمی‌کند، بلکه فریب خوردگی که همان تأثیر فریب در خریدار است شرط می‌باشد. فریب خوردگی عبارت است از حالتی روحی و روانی با تصور ذهنی ناشی از آنکه در پی آن فریب خورده اقدام به انجام کاری می‌نماید.<sup>۶۷</sup>

فریب در تحقق بسیاری از جرائم نقشی اساسی دارد و تحقق جرم و عدم آن بستگی به وجود فریب داشته و از اجزای اصلی تشکیل دهنده ارکان آن جرائم محسوب می‌شود، لیکن با توجه به توضیحاتی که درباره سوء عرضه کیفری در مباحث قبلی داده شد، وجود فریب در تحقق آن دخیل نیست، اگرچه ممکن است خریدار در صورت اطلاع از نقصی که در کالا است و اطلاع از عرضه کالا به صورت غیر قانونی از خرید آن خودداری نماید و یا حداقل به قیمت کمتر از قیمت بازار آن را مورد معامله قرار دهد. لیکن این امر در شکل‌گیری این جرم بی‌تأثیر است.

### گفتار سوم: تحقق ضرر

در حقوق جزا، توجه مسئولیت کیفری به اشخاص و اعمال کیفر متکی بر موضوعات اساسی (مثل: قابلیت سرزنش مرتکب عمل و ایجاد ضرر) می‌باشد و متکی بر مسائل پیچیده، دقیق و بعضاً مورد اختلاف حقوق مدنی راجع به انتقال

۶۷. محمد حسن، نجفی؛ پیشین، ص ۲۲۲-۳۰۱ و ۳۶-۳۷، و سید روح الله، خمینی؛ پیشین، ص ۲۳۷/۲ سید ابو القاسم، خوبی؛ مصباح الفقاهه، جلد پنجم، دار الهادی، ۱۴۱۲، چاپ اول، ص ۳۸۶، و محسن، صفری؛ فریبکاری و آثار آن، نشر دادگستر و میزان، ۱۳۷۷، چاپ اول، ص ۲۸۹.

مالکیت نیست<sup>۶۸</sup>. بنابراین اگرچه این موضوع که برای تحقق یک جرم، به ویژه جرم مالسی، باید جرم توأم با منفعتی برای مرتکب و نیز زبانی برای مجنی علیه باشد به عنوان یک اصل پذیرفته نشده است لیکن در اکثر جرائم وجود ضرر ناشی از عمل شرط تحقق عمل مجرمانه است، مثلاً در کلاهبرداری و خیانت در امانت و سرقت، ضرر مجنی علیه از اجزا مهم تشکیل دهنده رکن مادی این جرائم است، در بسیاری از مصادیق سوء عرضه کالا ایراد ضرر مد نظر قانون‌گذار در حقوق کیفری ایران بوده است، اما همیشه تحقق این جرم متوقف بر وجود این شرط نیست بلکه مواردی وجود دارد که نه عرضه کننده از سوء عرضه منفعتی می‌برد، و نه ضرری متوجه مخاطب عرضه می‌شود، مثل: عرضه دارو بدون حضور مسئول فنی، عرضه کالا بر خلاف ضوابط توزیع، ... به‌طور کلی در اکثر مصادیق سوء عرضه شکل کالا این شرط منظور نشده است، مگر اینکه وجود نفس ضرر نسبت به کل جامعه را در چنین سوء عرضه‌هایی مد نظر داشته باشیم، همانگونه که در بسیاری از جرائم ضرر شخصی ملاک جرم‌انگاری نبوده بلکه ضررهای متوجه جامعه ملاک برای جرم‌انگاری قرار گرفته است.

در فقه اگرچه برای تحقق سوء عرضه ترغیب طرف فریب خورده به انعقاد قرارداد عنصری لازم است، اما تأکید بیشتری بر خسارت‌هایی دارد که زیان‌دیده متحمل شده است<sup>۶۹</sup>، در فقه امامیه، در شرطیت ضرر دو دیدگاه کلی وجود دارد، شیخ انصاری پس از تحلیل کلام صاحب جواهر که عقیده بر عدم شرطیت ضرر در سوء عرضه کالا دارد، می‌گوید: «آنچه از دلایل قاعده غرور، یعنی روایات مربوطه به باب‌های خاص فقه و اجماع

۶۸. حسین، میرمحمد صادقی؛ تحلیل مبانی حقوق جزاء، مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی، چاپ دوم، ۱۳۷۴، تهران، ص ۱۹۷.

۶۹. محمد علی، مهروم؛ پیشین، ص ۳۲.

فقها به دست می‌آید این است که ادله مذکور تنها به آن صورت از سوء عرضه که ضرر وارد شده است اختصاص دارد.<sup>۷۰</sup> امام خمینی (ره)<sup>۷۱</sup> و آقای خویی<sup>۷۲</sup> هم اطلاق ادله سوء عرضه کالا را قبول نداشته و ایجاد مسئولیت برای عرضه کننده را متوقف بر ورود ضرر می‌دانند. می‌توان نظریه دوم که عقیده بر عدم شرطیت ضرر دارند را چنین توجیه نمود که مراد آنها از ضرر، ضرر شخصی است، یعنی در تحقق سوء عرضه کالا لازم نیست ضرر ناشی از این عمل مستقیم متوجه خریدار باشد، بلکه ضرر متوجه جامعه برای تحقق این جرم کفایت می‌کند.

#### گفتار چهارم: رابطه سببیت

فقها به وجود دو رابطه سببیت در سوء عرضه کالا اشاره می‌کنند: رابطه سببیت بین عمل متقلبانه عرضه کننده، و ضرر وارده به فریب خورده، و نیز رابطه سببیت بین عمل متقلبانه و اقدام فریب خورده. رابطه سببیت دوم از ارکان ضمان می‌باشد و از نظر مفهوم و وجود اعتباری و خارجی با رابطه سببیت میان عمل خدعه‌آمیز و ورود ضرر تفاوت دارد.<sup>۷۳</sup> برای تبیین این دو رابطه سببیت و اعتبار آنها هر یک از این دو مورد بررسی قرار گیرد.

در اعتبار و عدم اعتبار این دو رابطه جهت تحقق سوء عرضه اختلاف وجود دارد. برخی هردو رابطه، و برخی فقط رابطه سببیت بین عمل متقلبانه و اقدام فریب خورده

۷۰. مرتضی، انصاری؛ پیشین، ص ۱۴۶ تا ۱۴۸.

۷۱. سید روح الله، خمینی؛ پیشین، ص ۳۳۷ و ۳۳۸.

۷۲. سید ابو القاسم، خویی؛ پیشین، جلد ۴، ص ۲۸۳.

۷۳. محسن، صفری؛ پیشین، ص ۷۸.

را معتبر می‌دانند.<sup>۷۴</sup> البته در تعیین مصادیق این رابطه اتفاق نظر وجود ندارد. بر اساس نظریه اخیر که فقط رابطه سببیت بین عمل متقلبانه و اقدام فریب خورده را معتبر می‌دانند، لزوم رابطه سببیت بین عمل متقلبانه و ورود ضرر مورد تردید قرار گرفته است، زیرا، ضرر به وجود آمده ناشی از عمل خدعه‌آمیز یا متقلبانه نیست بلکه ورود ضرر اثر اقدام فریب خورده می‌باشد، و بین عمل متقلبانه و ورود ضرر واسطه‌یی به نام اقدام فریب خورده وجود دارد، لذا نمی‌توان حکم به وجود این رابطه سببیت نمود. عمل متقلبانه تنها به عنوان ایجاد کننده مقدمه و زمینه ورود ضرر به طرف عرضه می‌باشد. بنابراین برای تحقق سوء عرضه فقط رابطه سببیت بین عمل متقلبانه و اقدام فریب خورده کفایت می‌کند.

در کامن لا، همانند فقه امامیه، رابطه سببیت بین عمل متقلبانه و اقدام فریب خورده شرط اساسی برای تحقق سوء عرضه کالا است، و این امر به صورت یک قاعده مهم در تحقق سوء عرضه مطرح است. در قضیه هورسفال علیه توماس در سال ۱۸۶۲ که خواهان تفنگ معیوبی را از خواننده خریداری کرده بود، پس از شش بار شلیک، گلوله تفنگ منفجر شد، علت این امر مشخص نبود، اما به نظر می‌رسد تفنگ دارای عیبی بوده و فروشنده آن را پنهان نـموده بوده است. خواهان (خریدار) که هنگام خرید تفنگ را آزمایش نکرده بود ادعا نمود قرارداد از طریق تدلیس و کلاهبرداری خوانده منعقد شده است، و پنهان نمودن عیب تفنگ باعث فریب وی شده است، اما دادگاه استدلال وی را قبول نکرد، زیرا، تلاش صورت گرفته برای پنهان نمودن عیب، تأثیری در ذهنیت وی برای انعقاد قرارداد نداشته است.<sup>۷۵</sup> بنابراین چون دادگاه رابطه سببیت بین عمل متقلبانه و اقدام خریدار را احراز نکرده بود، دعوی خواهان را رد نمود.

۷۴. مرتضی، انصاری؛ پیشین، ص ۱۴۶ و سید روح الله، خمینی؛ پیشین، ص ۲-۳۳۷.

۷۵. آنه راف؛ پیشین، ص ۱۳۷.

برای ایجاد رابطه سببیت معتبر در سوء عرضه باید بین زمان عرضه کالا و زمان انعقاد قرارداد فاصله‌ای که زایل کننده این رابطه باشد وجود نداشته باشد. به عبارت دیگر قلب باید در زمان انعقاد قرارداد واقع شده باشد نه در زمان عرضه کالا<sup>۷۶</sup>. در حقوق کیفری بحث به گونه‌ای که در حقوق خصوصی در رابطه با این شرط مطرح است مورد مطالعه قرار نمی‌گیرد، و اصولاً اعتبار چنین شرطی با توجه به اینکه فریب خریدار نقشی در تحقق جرم سوء عرضه ندارد مورد تأیید نیست. به عبارت دیگر، مسئولیت کیفری عرضه کننده به محض عرضه کالا به شکل غیر قانونی متوجه وی می‌شود خواه در خرید این کالا فریب خورده، و خواه فریب نخورده باشد، لذا بحث از وجود رابطه سببیت بین عمل متقلبانه و اقدام خریدار به عنوان یک شرط معنا نخواهد داشت، اگرچه در موارد زیادی از عمل متقلبانه عرضه کننده، خریدار فریب می‌خورد و چنین رابطه سببیتی وجود دارد. از طرفی، همانگونه که در بحث تحقق ضرر مطرح گردید، در سوء عرضه کیفری ضرر به شخص ملاک تحقق این جرم نمی‌باشد، و ضرر به جامعه با سوء عرضه مفروض است. بنابراین اولاً: رابطه سببیت بین عمل متقلبانه و ضرر ناشی از سوء عرضه که متوجه جامعه است، وجود ندارد، زیرا، بین این دو واسطه است و ثانیاً: بر فرض قبول چنین رابطه‌ای، اعتبار آن در حقوق کیفری برای تحقق جرم سوء عرضه منتفی است.

### مبحث دوم: رکن روانی سوء عرضه کالا

برای ایجاد مسئولیت مدنی در سوء عرضه کالا حداقل دو نظریه وجود دارد: نظریه

۷۶. محمد علی، مهروم؛ پیشین، ص ۷۸.

صرف اثبات عیب، و نظریه تقصیر. نظریه دوم اعم از نظریه اول است، زیرا، برای اثبات تقصیر باید ابتدا وجود عیب به اثبات برسد. در حقوق کیفری هم این دو نظریه مطرح است. عده‌ای عقیده دارند برای توجه مسئولیت کیفری به عرضه کننده وجود تقلب و عرضه خلاف قانون کالا کفایت می‌کند. به عبارت دیگر، مسئولیت مطلق برای عرضه کننده قائل می‌باشند. گروه دیگر عقیده دارند برای اثبات این جرم علاوه بر اثبات تقلب و اقدام بر خلاف مقررات قانونی باید تقصیر مرتکب نیز ثابت شود، و این جرم نیاز به تحقق رکن روانی دارد. رکن روانی عبارت است از علم و آگاهی مرتکب به عیب کالا و متقابله بودن اقدامات وی و عمدی بودن این اقدامات که از این دو به «سوء نیت عام» تعبیر می‌شود، علاوه بر احراز آگاهی و عمد عامل باید قصد مجرمانه وی که از آن تعبیر به «سوء نیت خاص» می‌گردد نیز محرز شود. با توجه به توضیحات مذکور، مطالب این مبحث تحت سه گفتار مطرح خواهد شد، ابتدا به بررسی مبانی نظریه دوم، و چگونگی تحقق سوء نیت عام و خاص پرداخته، سپس مبانی نظریه مسئولیت مطلق را مورد بحث قرار می‌دهیم.

### گفتار اول: سوء نیت عام

آگاهی مرتکب به عیب کالا یا غیر قانونی بودن عرضه و عمدی بودن آن موجب می‌شود مرتکب مستحق تحمل تبعات عمل مجرمانه خود باشد. برای روشن شدن مفهوم آگاهی و موضوع آن و نیز چگونگی تحقق عمد در آن هر یک از این عناوین را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف) آگاهی: در کلیه احکام فقهی، آگاهی مکلف یکی از شرایط عمومی تکلیف است، و بدون آن مکلف مسئولیت نخواهد داشت. عرضه کننده کالا برای توجه مسئولیت به وی باید به خلاف قانون بودن عرضه کالا آگاه باشد. چنانچه گمان کند عرضه کالا به این شکل خلاف قانون نیست و حال آنکه خلاف قانون بوده است مسئولیتی متوجه او



نخواهد بود. علاوه بر این، باید آگاهی وی صحیح و مطابق با واقع باشد. اگر گمان می کرده عرضه کالا خلاف قانون است ولی در واقع مطابق با قانون بوده یا گمان می کرده کالا معیب یا خطرناک است و خلاف آن ثابت شده است مسئولیتی متوجه وی نخواهد بود.

در فقه امامیه چون در بحث سوء عرضه کالا بیشتر آثار حقوقی آن مورد توجه بوده، و جبران خسارت خریدار را مدنظر داشته‌اند، علم و آگاهی عرضه کننده را برای ترتب این آثار بر سوء عرضه معتبر ندانسته‌اند، و علی‌رغم عدم آگاهی و یا آثار سوء عرضه، یعنی حق فسخ برای مخاطب عرضه یا جبران خسارت توسط عرضه کننده را بر این نوع عرضه مترتب می‌نمایند.<sup>۷۷</sup> امام خمینی (ره) با بررسی معانی لغوی خدعه و سوء عرضه و غرور و نیز با تمسک به عبارتی از روایت معروف: «رجل لا يعرف دخيله امرها لم یکن علیه شیء»<sup>۷۸</sup>، به این نتیجه می‌رسند که آگاه بودن در مفهوم غرور لحاظ شده است، بنابراین برای صدق عنوان فریبکار و ترتب آثار سوء عرضه کالا باید مرتکب علم و آگاهی به عیب کالا داشته باشد.<sup>۷۹</sup>

در کامن لا، آگاهی عرضه کننده به وجود عیب در کالا و یا نادرست بودن اظهاراتش، شرط تحقق سوء عرضه است. البته اگر مرتکب علم به عدم صحت اظهارات کذب خود و یا علم به غیرقانونی بودن عرضه نداشته باشد، و عرضه توسط وی با بی‌مبالاتی و بی

۷۷. کاظم، آخوند خراسانی؛ حاشیه مکاسب، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۰۶، چاپ اول، ص ۸۱، و محمد حسین، اصفهانی (کمپانی)؛ حاشیه مکاسب، جلد اول، دار المصطفی (ص) لاحیا التراث، ۱۴۱۸، چاپ اول، ص ۱۰۰.

۷۸. حر عاملی؛ پیشین، حدیث ۲، باب ۲، ابواب عیوب و تدلیس.

۷۹. میرزا حسن، بجنوردی؛ پیشین، ص ۶-۲۳۳ و سید روح الله، خمینی؛ پیشین، ص ۲-۳۳۶ و ۳۳۷.

احتیاطی، و بدون بررسی صحت و یا عدم صحت اظهارات یا قانونی بودن و یا غیرقانونی بودن عرضه باشد مسئولیت کیفری متوجه وی خواهد بود. اما اگر وی گمان می‌کرد، کالا دارای صفاتی است که اظهار می‌دارد و یا گمان می‌کرد که عرضه کالا به این شکل منع قانونی ندارد، سپس خلاف آنچه گمان می‌کرد، ثابت شود مسئولیتی متوجه وی نخواهد بود، زیرا، آگاهی وی به این موضوع که از اجزاء تشکیل دهنده رکن روانی این جرم است ثابت نشده است. در پرونده دری (Derry) علیه پیک (Peek) در سال (۱۸۸۹ م.) یک شرکت مجوزی برای راه اندازی یک قطار أخذ کرد. پارلمان مقدر داشته بود که قطار باید توسط نیروی حیوان یا در صورت اجازه اداره دولتی مربوطه به وسیله قدرت بخار یا نیروی مکانیکی حرکت داده شود. مدیران شرکت عقیده داشتند اجازه لازم به‌طور قطع صادر خواهد شد، و بر همین اساس یک اعلامیه پذیره نویسی منتشر کردند مبنی بر اینکه شرکت از حق استفاده از نیروی بخار به جای اسب برخوردار است، خواهان با تکیه بر این سخن سهام شرکت را خرید، ولی اداره دولتی مجوز لازم را صادر نکرد، و شرکت ورشکسته شد. خریداران علیه فروشندگان به طرح دعوا اقدام کردند و مجلس لردها رأی داد که دعوی اقامه شده توسط خواهان علیه مدیران شرکت مردود است، زیرا، مدیران شرکت به‌طور صادقانه و از روی حسن نیت گمان می‌کرده‌اند که اطلاعات داده شده در اعلامیه پذیره نویسی صحت دارد.<sup>۸۰</sup>

در حقوق خصوصی، یکی از اجزاء تشکیل دهنده عمل خدعه‌آمیز در فرآیند عرضه کالا و ترتب آثار آن عدم علم مخاطب عرضه است، بنابراین چنانچه حین قرارداد یا زمان عرضه مخاطب عرضه علم به معیب بودن کالا داشته باشد، حق رجوع به عرضه کننده،

۸۰. ۱۴ APP.cas.3370 (۱۸۸۹) به نقل از آنه راف؛ پیشین، ص ۱۴۰.

جهت اخذ خسارات وارده را ندارد، و قاعده «اقدام» وی را از داشتن چنین حقی محروم می‌کند، اما پذیرش این مطلب در حقوق کیفری مورد تردید است، عالم بودن خریدار از غیرقانونی بودن عرضه کالا مسئولیت کیفری عرضه کننده را برطرف نمی‌کند، تنها اثری که عدم آگاهی مشتری می‌تواند ایجاد کند، مسئولیت مدنی عرضه کننده است.

۲. عمد: سوء عرضه کالا باید توسط عرضه کننده به صورت عمدی صورت گرفته باشد و مرتکب به اجبار یا اکراه اقدام به این عمل مجرمانه ننموده باشد. همان‌طور که اکراه و اجبار در حقوق خصوصی یک قرارداد را قابل ابطال می‌سازد، در حقوق کیفری هم اجبار و اکراه از عوامل رافع مسئولیت هستند، هر نوع فشار نامشروع که شخص را در شرایطی قرار دهد که وی ناگزیر از ارتکاب عمل خلاف قانون شود، به طوری که در حالت عادی چنین عملی را مرتکب نخواهد شد. این فشار نامشروع خواه ناشی از عامل درونی باشد یا عامل بیرونی رافع مسئولیت کیفری خواهد بود.

در حقوق ایران و فقه امامیه برای تحقق سوء عرضه وجود تقصیر فروشنده شرط است، در اینکه این تقصیر باید عمدی باشد یا با بی‌مبالاتی و سهل‌انگاری هم تحقق می‌یابد، تأکیدی نشده است، ولی در کامن‌لا، به‌ویژه در آمریکا، وجود تقصیر خواه عمدی یا به صورت بی‌مبالاتی شرط تحقق سوء عرضه است و به عبارت دیگر، به عنوان یک قاعده مهم پذیرفته شده که یک سوء عرضه فاقد عنصر تقصیر نمی‌تواند به عنوان یک عمل مسئولیت‌آور تلقی شود.<sup>۸۱</sup>

### گفتار دوم: سوء نیت خاص

نتیجه عمل مجرمانه در سوء عرضه کیفری عرضه کالا به صورت غیر قانونی است.

۸۱. آنه راف؛ پیشین، ص ۱۴۴، و کاتوزیان؛ پیشین، ص ۱۰۹.

عامل عرضه باید این نتیجه مجرمانه را قصد کند. در فقه امامیه در بررسی قاعده غرور این اختلاف بین فقها وجود دارد که آیا عرضه کننده باید قصد فریب طرف قرارداد را داشته باشد یا خیر.

محقق کرکی<sup>۸۲</sup>، و امام خمینی(ره)<sup>۸۳</sup>، بر خلاف اکثر فقها<sup>۸۴</sup> که قائل به شرط نبودن قصد فریب طرف قرارداد هستند، این قصد را شرط تحقق غرور می‌دانند، و می‌گویند عرضه کننده باید با همین فریب طرف قرارداد را ترغیب به معامله نماید.

بسیاری از فقها، با توجه به مفاد قاعده غرور قصد زیان رساندن به طرف قرارداد را شرط تحقق مسئولیت عرضه کننده دانسته‌اند، زیرا، قاعده غرور عبارت است از اینکه شخصی کاری را انجام دهد که موجب وارد شدن ضرر به دیگری گردد، و متضرر شدن شخص دوم به سبب فریب خوردن وی از شخص اولی می‌باشد<sup>۸۵</sup>. با عنایت به اینکه لازمه هر فریبی ایراد ضرر نیست، و از طرفی چه بسا در بسیاری از موارد عرضه کننده قصد زیان زدن به طرف دیگر را نداشته و در عرضه غیرقانونی خود حتی ممکن است قصد کمک به طرف دیگر را کرده باشد، قصد زیان رساندن به طرف نمی‌تواند از شروط تحقق این جرم باشد، اگرچه ممکن است در اکثر مصادیق این جرم این قصد وجود داشته باشد. در کامن لا، هم قصد زیان وارد کردن به طرف دیگر، با این استدلال که مقرراتی که فسخ قرارداد بر مبنای فریب را مجاز می‌شمارند جهت تضمین اینکه متعاقدين می‌توانند بدون

۸۲. علی بن الحسن، محقق کرکی؛ جامع المقاصد جلد پنجم، مؤسسه آل البیت (ع) لاحیا التراث، ۱۴۲۹، بیروت، چاپ دوم، ص ۴۰۵.

۸۳. سید روح الله، خمینی؛ پیشین، ص ۲-۳۳۴.

۸۴. محمد حسن، نجفی؛ پیشین، ص ۲۲-۳۰۱ و ص ۱۷-۳۰۵ و ص ۴۳-۱۴۶.

۸۵. میرزا حسن، بجنوردی؛ پیشین، ص ۱-۲۲۵.

گمراهی اتخاذ تصمیم نمایند تدوین شده‌اند نه حفاظت از آنها در قبال ضرر، شرط تلقی نشده است.<sup>۸۶</sup>

### گفتار سوم: مسئولیت محض

در سوء عرضه کالا نظریه‌ای مبنی بر مسئولیت محض عرضه کننده مطرح است. مسئولیت محض نهادی است که بر اساس آن عرضه کننده به طور مطلق مسئول عمل خود می‌باشد خواه آگاهی به غیرقانونی بودن عرضه داشته باشد یا خیر. مسئولیت محض با روح قاعده لاضرر که از اساسی‌ترین مبانی حقوق کیفری و تعیین مجازات است سازگار می‌باشد. بر اساس این نظریه اصل در قراردادها و معاملات آگاهی عرضه کننده از عیب کالا خود است، بنابراین، سوء نیت وی مفروض بوده مگر اینکه ثابت شود از عیب و یا خطرناکی و به طور کلی خلاف قانون بودن آن بی اطلاع بوده است. مسئولیت محض در حقوق مدنی بر این فرض مبتنی است که عرضه کننده کالا به جامعه باید آن را چنان طرح-ریزی و آماده بهره‌برداری کند که خریدار و هر مصرف کننده دیگر بتواند از محصول استفاده مطلوب را مصون از هر خطر نامتعارف ببرد<sup>۸۷</sup>، یا قبل از عرضه کالا آن را مورد بررسی همه جانبه قرار دهد و چنانچه عیبی در آن مشاهده کند که در انگیزه و قصد مشتری جهت خرید می‌تواند تأثیرگذار باشد آن را با وی در میان گذاشته و از وجود آن عیب او را مطلع سازد.

در حقوق کیفری، تکلیف مربوطه به عرضه کالای سالم به جامعه ریشه قانونی و اجتماعی دارد و به تراضی دو طرف قرارداد ارتباط پیدا نمی‌کند تا بتوان به وسیله شرط

۸۶ حین کوتز و اکسیل فلسنر؛ پیشین، ص ۲۸۱.

۸۷ ناصر، کاتوزیان؛ پیشین، ص ۱۶.

مخالف یا تغییر اوضاع و احوال یا سفارش ویژه طرف قرارداد از آن احتراز کرد<sup>۸۸</sup>. بنابراین به صرف تحقق عنصر مادی جرم سوء عرضه کالا تحقق یافته و مرتکب مستحق تحمل کیفر می‌باشد. پذیرش مسئولیت محض امروزه در حقوق کیفری نسبت به حقوق خصوصی گسترش بیشتری پیدا کرده است، به ویژه در جرائمی که به نظام اجتماعی و امنیت همگانی ارتباط دارد، مثل: جرائم اقتصادی، جرائم راهنمایی و رانندگی، جرائم مربوطه به عرضه کالاهای اساسی به خصوص دارویی، به سادگی این نوع مسئولیت مورد پذیرش قانون-گذاران قرار گرفته است.

در حقوق ایران مسئولیت محض مورد توجه چندانی نبوده است، و اصل عدم اعتبار آن حاکم است مگر قانون‌گذار این نوع مسئولیت را در موارد خاصی مورد تأکید قرار داده باشد. با وجود این، به نظر می‌رسد در خصوص مواد غذایی و دارویی و آشامیدنی حرکت قانون‌گذار به سوی قبول مسئولیت محض آغاز شده، و باید این حرکت به سوی فراگیری همه کالاها و تولیدات پیش رود.

در کامن‌لا، بسیاری از جرائم مربوط به خرید و فروش مواد غذایی، جرائم مادی صرف هستند. دادگاه‌های انگلیس علی‌رغم سختگیری وعدم توجه به مسئولیت مطلق در امور کیفری، در قبول دو دسته از جرائم که در آنها مسئولیت مطلق وجود دارد تردیدی ندارد. این دو دسته جرائم عبارتند از: جرم مربوط به امور تنظیمی مانند: جرائم پارک و سائل نقلیه و جرم مربوط به منافع عمومی (خطر اجتماعی)، مانند: داروهای خطرناک آلودگی محیط زیست<sup>۸۹</sup>.

در آمریکا تا سال ۱۹۶۰ مبنای تصمیم دادگاه‌ها مسئولیت مبتنی بر تقصیر بود ولی پس

۸۸. همان، ص ۱۶.

۸۹. مارتین هانت؛ پیشین، ص ۱۴۵.

از آن مسئولیت محض پا به میدان نهاد<sup>۹۰</sup>. افزایش روز افزون تولیدات، و گسترش نیازمندی‌های مردم به کالاهای گوناگون، و لزوم تنظیم دقیق‌تر رابطه عرضه کنندگان با مصرف کنندگان را می‌طلبد. از سوی دیگر، اعتماد مصرف کنندگان به کالاهای عرضه شده به بازار، و ضرورت آگاهی آنها از کارکرد و کیفیت کالاها که امروزه از طریق تبلیغات صورت می‌گیرد، موجب شده است حقوق دانان آمریکا گرایش شدیدی به پذیرش مسئولیت محض پیدا نمایند. بر همین اساس، آمریکایی‌ها سه دلیل برای پذیرش مسئولیت محض مطرح کرده‌اند: نفع عمومی، جلب اعتماد مردم با تبلیغات توسط سازندگان و جلوگیری طرح دعاوی بیهوده<sup>۹۱</sup>.

۹۰. ناصر، کاتوزیان؛ الزام‌های خارج از قرارداد، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سیزدهم، تهران،

ص ۳۵۰ و ۳۵۱.

۹۱. پیشین.

## نتیجه گیری

سوء عرضه کالا از جرائمی است که بازارهای داخلی را به شدت تحت تأثیر قرار داده و در بازارهای بین‌المللی موجب بی‌اعتمادی دادوستد کنندگان می‌شود، و در نتیجه در فضای اقتصادی نا امنی‌های شدیدی را ایجاد می‌کند. لذا باید جوامع بشری برای از بین بردن زمینه‌های وقوع این اعمال مخرب اقتصادی تدابیر شایسته‌ای را اتخاذ و واکنش اجتماعی مناسب را پیش‌بینی نمایند. از آنجا که بی‌نظمی اقتصادی ارتباط مستقیم با نظم اجتماعی داشته و اخلال اقتصادی موجبات اخلال اجتماعی را فراهم می‌کند از بین الزامات موجود، واکنش کیفری یکی از راهکارهای مؤثر در این زمینه می‌باشد، و نظام‌های حقوقی که به این مهم دست یازیده‌اند تا حدود قابل توجهی به وضع قوانین کیفری برای مهار این بحران اقدام کرده‌اند، هنوز حقوق کیفری بر سر بسیاری از این اقدامات سایه نیفکنده است، مثلاً در حقوق ایران، در صورت عرضه کالای معیوب مسئولیت مدنی به دنبال دارد ولی فاقد مسئولیت کیفری است، لذا پیشنهاد می‌شود با وضع قوانین مناسب به صورت گسترده اولاً: موجبات پیشگیری از وقوع این بی‌نظمی‌های اقتصادی فراهم شود، ثانیاً: با واکنش اجتماعی مناسب افراد خاطی و سود جو مورد تعقیب کیفری قرار گیرند.

از این گذشته، در جرم انگاری در سوء عرضه باید به تفاوت‌های بین سوء عرضه حقوقی و کیفری توجه داشت، زیرا، بسیاری از اصطلاحات در حقوق خصوصی مفهومی غیر از آنچه در حقوق کیفری مد نظر است دارند، مثلاً در حقوق خصوصی تقلب به معنای لغوی آن در سوء عرضه مورد توجه است، ولی در حقوق کیفری از معنای لغوی آن عدول شده و معنای خاصی که عرضه کالا به صورت غیر قانونی باشد مراد است. همچنین در سوء عرضه کیفری، بر خلاف سوء عرضه حقوقی، فریب خریدار شرط نمی‌باشد. در باب عنصر روانی سوء عرضه، در حقوق کیفری علم خریدار تأثیری در وقوع جرم ندارد، ولی در حقوق خصوصی مسئولیت مدنی عرضه کننده دایرمدار علم خریدار و عدم علم وی



است.

فقه امامیه، حقوق ایران و کامن لا دارای مشترکات زیادی هستند، مع ذلک تفاوت‌هایی بین این نظام‌های حقوقی وجود دارد. توجه به این تفاوت‌ها و مقایسه آنها با یکدیگر و اتخاذ قوانین برتر می‌تواند قوانین را از استحکام بیشتری برخوردار نماید، به‌طور مثال، گرایش گسترده کامن لا به مسئولیت محض در امور کیفری باعث دقت بسیار زیاد تولیدکنندگان و دیگر دست‌اندرکاران عرضه کالا می‌شود.

## منابع

۱. قرآن مجید.
۲. آخوند خراسانی، کاظم؛ حاشیه مکاسب، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۰۶ق، چاپ اول.
۳. آدمز، و براو ترورد؛ تحلیل و نقدی بر حقوق قرارداد در انگلستان، ترجمه: موسوی، سید مهدی، نشر میزان، ۱۳۸۶، چاپ اول.
۴. الآمدی، عبدالواحد؛ غرر الحکم، جلد ۲، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۷ق، چاپ اول.
۵. آنه راف؛ قواعد حقوقی قرارداد انگلستان از نگاه رویه قضایی، ترجمه: موسوی، سید مهدی، نشر میزان، ۱۳۸۶، چاپ اول.
۶. ابن قدامه، عبدالله بن احمد؛ المغنی، جلد ۳، دار احیاء التراث العربی، بی جا.
۷. اصفهانی، محمد حسین (کمپانی)؛ حاشیه مکاسب، جلد ۱، دار المصطفی (ص) لاحیاء التراث ۱۴۱۸ق، چاپ اول.
۸. انصاری، مرتضی؛ مکاسب، انتشارات علامه قم، ۱۳۶۷، چاپ دوم.
۹. بجنوردی، میرزا حسن؛ القواعد الفقهیه، جلد ۱، مرکز الرسول الاعظم (ص) للتحقیق والنشر، بیروت، ۱۴۱۹ق، چاپ دهم.
۱۰. بحرانی، یوسف؛ حدایق الناظره، جلد ۱۸، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، بی جا.
۱۱. بهروم، مهد علی؛ سوء عرضه در حقوق انگلستان و تدلیس در حقوق اسلام، ترجمه: فنوتی، جلیل، و عبدی، ابراهیم، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۰، چاپ اول.
۱۲. جعفری لنگرودی، جعفر؛ دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت، مشعل آزادی، ۱۳۵۷، چاپ اول.
۱۳. حر عاملی، محمد حسن؛ وسائل الشعیه، جلد ۱۲، احیاء التراث العربی، بیروت، بی جا.

۱۴. حلی، محمد بن الحسن؛ شریع الاسلام، جلد ۲، مرکز الرسول الاعظم (ص) للتحقیق و النشر، بیروت، ۱۴۱۹ق، چاپ دهم.
۱۵. حین کوتز و اکسیل فلستر؛ حقوق قراردادها در اروپا جلد ۱، ترجمه: احمدوند، ولی الله، و پرسا پور، محمد باقر، قربانی، مجید، محمودی، اصغر، چاپ نگارش، ۱۳۸۵، چاپ اول.
۱۶. خمینی، سید روح الله؛ البیع، جلد دوم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمینی، ۱۳۷۹، چاپ اول.
۱۷. خوبی، سید ابوالقاسم؛ مصباح الفقاهه، جلد ۵، دارالهادی، ۱۴۱۲، چاپ اول.
۱۸. درویش، بهرام؛ تدلیس، انتشارات گل مریم درخشان، ۱۳۸۴، چاپ اول.
۱۹. رفیعی، محمد تقی؛ مطالعه تطبیقی غرر در معامله، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸ چاپ اول.
۲۰. صفری، محسن؛ فریبکاری و آثار آن، نشر دادگستر و میزان، ۱۳۷۷، چاپ اول.
۲۱. طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۲۰، انتشارات مدرسین حوزه علمیه قم، بی جا.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان، انتشارات ناصر خسرو، ۱۴۰۶ق، چاپ دوم.
۲۳. العاملی (شهید ثانی)، زین الدین؛ الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة (دو جلدی) جلد ۱، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۵، چاپ دوم.
۲۴. عزیزی، ایرج؛ آیین رسیدگی به جرائم و تخلفات صنفی در نظام کیفری ایران، انتشارات فریاد کویر ۱۳۸۳، چاپ اول.
۲۵. علیزاده، مهدی؛ سوء عرضه کالا، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۲، چاپ اول.
۲۶. قنبری، محمد رضا؛ مجموعه مقالات، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۲، چاپ اول.

۲۷. کاتوزیان، ناصر؛ مسئولیت ناشی از عیب تولید، انتشارات تهران، ۱۳۸۲، چاپ اول.
۲۸. کاتوزیان، ناصر؛ دوره حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۱، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۴، چاپ سوم.
۲۹. کاتوزیان، ناصر؛ الزام‌های خارج از قرارداد، جلد ۱، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سیزدهم.
۳۰. کرکی (محقق)، علی بن الحسن؛ جامع المقاصد، جلد ۵، موسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، بیروت، ۱۴۲۹ق، چاپ دوم.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول الکافی، کتاب ایمان و کفر، باب مکر.
۳۲. مارتین هانت؛ متون دانشگاهی حقوق، ترجمه: رفیعی، محمد تقی، چاپ مجد، ۱۳۸۶، چاپ اول.
۳۳. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار، جلد ۱۰۳، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق، چاپ دوم.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر؛ القواعد الفقهیه، جلد ۲، مدرسه علی بن ابی طالب، قم، ۱۴۱۶ق، بی جا.
۳۵. مؤسسه بین‌المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، ترجمه: اخلاقی، بهروز و ارم، فرهاد، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۵، چاپ دوم.
۳۶. میر محمد صادقی، حسین؛ تحلیل مبانی حقوق جزا، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴، چاپ دوم.
۳۷. نجفی، محمد حسن؛ جواهر الکلام، جلد ۲۳، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۸۱م، چاپ هفتم.
۳۸. نوری، میرزا حسن؛ مستدرک الوسائل، جلد ۹، موسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث،

۱۴۰۸ق، چاپ اول.

۳۹. الهندی، علی الممتقی؛ کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۵ق، چاپ پنجم.

۴۰. ولیدی، محمد صالح؛ حقوق کیفری اقتصادی، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۶، چاپ

اول.